



شکر نعمت، غفلت را از بین می برد / غفلت انسان را هلاک می کند

آیت الله مرتضی تهرانی گفت: یکی از اموری که غفلت را از بین می برد شکر نعمت های حق تعالی است. انسان تصمیم بگیرد برای هر موردی که تشخیص داد نعمت الهی است در دل خود یا آهسته با زبان خود شکر کند.

آیت الله مرتضی تهرانی گفت: یکی از اموری که غفلت را از بین می برد شکر نعمت های حق تعالی است. انسان تصمیم بگیرد برای هر موردی که تشخیص داد نعمت الهی است در دل خود یا آهسته با زبان خود شکر کند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر گفتاری از آیت الله مرتضی تهرانی در مورد آیه **مَنْ كَفَرَ بِاللّٰهِ مِنْ بَعْدِ اِيْمَانِهٖ اِلَّا مَنۡ اُكْرِهَ وَ قَلْبُهٗ مُطْمَئِنٌّ بِاِلٰيْمَانٍ وَ لٰكِنۡ مِّنۡ شَرَّحِ يٰلَکُمۡ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ**؛ است که در ادامه می خوانید:

خطر بزرگ انحراف پس از ایمان

یکی از نکات بسیار ظریف ایمانی در این آیه و کریمه از سوره که ی مبارکه و ی نحل ذکر شده است. در این آیه و کریمه خدای متعال تفاوت بین دو انسان را نشان می دهد. فرد اول انسانی است که گمراه بوده و برای اولین بار هدایت شده است. فرد دوم انسانی است که بین متدینین و مؤمنین بوده، و خدای متعال ابتدائاً واقعیت ها را به او نشان داده است، اما این فرد به مواعظ و نصیحت های الهی اعتنا نکرده، و خواسته های نفسانی خود را بر آن واقعیت ها ترجیح داده است.

بسیاری از انسان ها با دوراهی هایی در زندگی خود مواجه می شوند، که یک راه طلب رضای خدای متعال و چشم و پوشی از لذایذ حیوانی و دنیوی، و راه دیگر نادیده گرفتن هدایت های الهی و به دنبال دنیا و لذت های دنیوی رفتن است. این آیه و کریمه مقدار گمراه بودن و ضلالت دو انسان را با هم مقایسه می کند. فرد اول، کسی است که نادان بوده و اطلاعی از مواعظ الهیه نداشته، و در مجالس اسلامی شرکت نمی کرده، و پند و موعظه و نصیحت و تفسیر و اخلاقیات به گوش او نخورده است. انسان دوم شخصی است که زمانی در مسیر تدین حرکت می کرده، اما راه راست را ترک کرده و وارد راه های انحرافی شده و دنیا را بر آخرت و رضای شیطان را بر رضای حق تعالی ترجیح داده است. بنابر آیه و کریمه، غلظت گمراهی نفر دوم بسیار بیشتر از نفر اول است.

در این آیه این گروه از انسان ها تهدید شده اند که عذاب بزرگ و غضب حق تعالی شامل حال آن ها می شود، زیرا خدای متعال معنویت و شیرینی آن را به این افراد چشاند است، اما آن ها این معنویت و توجه حق تعالی و نعمت او را زیر پا گذاشته و به دنبال خواسته های نفس و حیوانیت خود رفته اند. این وضعیت برای انسان ها گمراه ابتدایی وجود ندارد. خدای متعال گفتاری بر خلاف واقع ندارد و این گروه مشمول غضب حق تعالی و عذاب بزرگ هستند، یک واقعیت است.

شیطان به انسان متدین که در مسیر صحیح قرار دارد چنین می گوید: حال که جوانی، طبق خواسته های خود عمل کن؛ پس از رسیدن به سن پیری توبه خواهی کرد. در حالی که انسانی که مجلس موعظه و پند و تفسیر، و مجلس مطالب معنوی را بر اموری مانند تلویزیون تماشا کردن ترجیح می دهد، ابتدائاً مشمول عنایت حق تعالی قرار گرفته، و خدای متعال حلاوت و شیرینی ارتباط با خود را به ذائقه و ی روح او چشاند است. اگر این انسان چند لحظه لذت های مادی و حیوانی را بر حلاوت و شیرینی های معنوی ترجیح دهد، هم در دنیا و هم در آخرت مجازات شدیدی خواهد شد. بی توجهی به این آیات کریمه به معنای عدم توجه دل به صداهای الهی و عدم حفظ خود از صداهای شیطانی است.

تفاوت بسیار زیاد نعمت های دنیایی با نعمت های آخرتی

بعضی از افراد می گویند: ((سلیقه نقد به از حلوای نسیه)) است. در حالی که تحقق وعده های حق تعالی نسبت به مؤمنین و متدینین که آخرت خوبی دارند، و بهره مندی آن ها از لذایذ در قیامت

به گونه‌ی zwnj&ای است که آرزو می‌zwnj&کنند که از لذت‌های دنیایی بهره‌zwnj&ای نمی‌zwnj&بردارند و در ازای آن از لذت‌های بی‌zwnj&پایان آخرتی بهره‌zwnj&مند می‌zwnj&شدند. گاهی از اوقات بعضی افراد متدین به چیزی احتیاج دارند و برای رسیدن به آن، از صمیم قلب دعا می‌zwnj&کنند، اما خدای متعال بر حسب ظاهر در دنیا حاجت آن‌zwnj&ها را برآورده نمی‌zwnj&کند. این انسان اگر عاقل باشد، و خود را از دین خدای متعال و کتاب او و فرمایشات معصومین صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیهم جدا نکرده باشد، با حق‌zwnj&تعالی قهر نمی‌zwnj&کند، و از این مسیر خارج نمی‌zwnj&شود.

انسان با شعور می‌zwnj&فهمد که چه مقدار حق‌zwnj&تعالی به او عنایت کرده است. خدای متعال به رسول بزرگوارش حضرت موسی سلام‌zwnj&الله‌zwnj&علیه فرمود: «يا موسى اُشكر نِعَمائي»؛ آن حضرت لحظه‌ی zwnj&ای از حق‌zwnj&تعالی فرصت گرفت و فکر کرد که نعمت‌zwnj&های خدای متعال را بشمرد، سپس شکر آن‌zwnj&ها را به جا آورد. بعد از لحظاتی برگشت و به حق‌zwnj&تعالی عرض کرد: خدایا من نتوانستم نعمت‌zwnj&های تو را شماره کنم تا بعد از آن، شکرگزار آن نعمت‌zwnj&ها باشم. خطاب رسید: «الان شَكَرْتَ نِعَمائي»؛ اکنون که از شمارش نعمت‌zwnj&های من اظهار عجز و ناتوانی کردی، شکر نعمت‌zwnj&های من را به جا آوردی.

ما هم بنده‌ی zwnj&مقصر گنه‌zwnj&کار حق‌zwnj&تعالی هستیم و شاید آن‌zwnj&گونه که خدای متعال شرایط را برای ما فراهم کرده است، در انجام وظایف و اطاعت او عمل نکرده و کوتاهی کرده باشیم. منظور از کوتاهی این نیست که ما مستقیماً به حق‌zwnj&تعالی عرض کنیم که فرمایشات تو را الان در دوران جوانی انجام نمی‌zwnj&دهیم و این اطاعت را به دوران پیری موکول می‌zwnj&کنیم. بلکه شیطان در گوش ما می‌zwnj&گوید: الان جوان هستی و مانعی ندارد که لذت دنیایی هم ببری؛ خدای متعال این نعمت‌zwnj&ها را برای تو خلق کرده است؛ و به عنوان مثال استفاده کامل از غذاهای لذیذ و حلال در سفره رنگینی که صاحب مجلس پهن کرده است مانعی ندارد.

اما امیرالمؤمنین صلوات‌zwnj&الله‌zwnj&علیه فرمودند: در مباحات نفس خود را ریاضت بدهید. اگر انسان در مباحات نفس خود را آزاد بگذارد، برای کنترل نفس در مجرمات نیاز به صرف نیرو و انرژی بیش‌zwnj&تری دارد. ولی وقتی که انسان نفس خود را در مباحات ریاضت داد، و آن‌zwnj&را مؤدب کرد، کنترل آن آسان‌zwnj&تر می‌zwnj&شود، همان‌zwnj&گونه که کنترل یک اسب آموزش داده شده، با اسب خالی از آموزش متفاوت است. انسان بی‌zwnj&ادب با انسان باادب فرق دارد. بندگی حق‌zwnj&تعالی هم ادب خاص خود را دارد. چنین نیست که ما همواره تمایل به نماز خواندن داشته باشیم؛ یا همواره خواست قلبی ما این باشد که زبان و گفتار خود را کنترل کنیم. شاید در مواردی هم انسان دوست داشته باشد از دیگران بدگویی کند و تا آن مطالب را به زبان نیاورد احساس سبکی و آسودگی نکند. برخی انسان‌zwnj&ها این‌zwnj&گونه اسیر شیطان‌zwnj&هستند و اختیاری از خود ندارند.

عدم گله‌zwnj&گذاری از حق‌zwnj&تعالی، از ویژگی‌های بندگی

مالک غلامی به نام ایاز به پول احتیاج پیدا کرد. ایاز به مالک خود گفت: من را به بازار برده‌zwnj&فروش‌zwnj&ها ببر و بفروش. مالک او گفت: تو هنری نداری و در هیچ صنعتی ماهر نیستی. ایاز گفت: اگر از تو سؤال کردند مهارت این غلام چیست بگو بندگی بلد است. هنگامی که یک خریدار این جواب را شنید منظور را نفهمید و به سلطان زمان مطلب را منتقل کرد. سلطان که انسان فهیمه‌zwnj&ای بود، فوری به او پول داد که این غلام را بخرد و بیاورد. سلطان به عوامل خود دستور داد، که این غلام را بدون این‌zwnj&که تقصیری کرده باشد شلاق بزنند. چند شلاق به بدن او زدند، اما غلام هیچ ننگفت و ناله‌zwnj&ای نکرد. سلطان از او پرسید: چرا فریاد نمی‌zwnj&زنی، مگر درد ندارد؟ غلام گفت چرا درد دارد، اما چون شما من را خریده‌zwnj&اید و مالک من شده‌zwnj&اید، بدون اجازه شما ناله هم نمی‌zwnj&کنم. سلطان فهمید که چنین غلامی را بسیار ارزان خریده است.

چند بنده حق‌zwnj&تعالی وجود دارد، که وقتی با مشکلاتی روبرو می‌zwnj&شود، ناله نمی‌zwnj&کند و آن‌zwnj&را تقدیر حق‌zwnj&تعالی می‌zwnj&داند و باور دارد که چون مالک او خدای متعال است و قادر مطلق او است، هیچ واقعه‌ی zwnj&ای بدون اذن او رخ نمی‌zwnj&دهد و لذا دلیلی برای ناله کردن وجود ندارد. ناله کردن یک نوع گله‌zwnj&گذاری از کسی است که این برنامه را برای فرد تنظیم کرده است. ناراحتی‌zwnj&ها، مشکلات و دردهای دنیایی به اراده‌ی zwnj&حق‌zwnj&تعالی به وجود می‌zwnj&آید. آیا گله کردن از مولی‌zwnj&الموالی عقلاً جایز است؟

گله‌zwnj&گذاری از غیر حق‌zwnj&تعالی و غیرمعصوم ممکن است زیرا امکان کوتاهی از طرف مقابل وجود دارد، اما گله

کردن از معصوم توجیهی ندارد. اگر انسان مثلاً در مسافرت احتیاط و احتیاجات لازم را کرد و ناراحتی و مشکلی برای او به وجود آمد باید آن را مقدر بداند و گله نکند. سلطان آن زمان از ایاز نام او را پرسید. ایاز جواب داد: هنوز شما برای من اسم نگذاشته‌اید. سلطان نام قبلی او را سوال کرد. او گفت: در گذشته ایاز نام داشتم. این ادب بندگی است.

این مطالب اخلاقی در رساله و توضیح و المسائل نوشته نمی‌شود. بعضی اشتباه کرده‌اند و در کتاب و های خود نوشته‌اند که انسان عامی بیش از یک توضیح و المسائل برای سعادت خود لازم ندارد، و اگر به آن عمل کند در قیامت همنشین حضرت سلمان سلام و الله و علیه خواهد بود. حتماً این گونه نیست. اخلاقیاتی که از ائمه و ی طاهرين صلوات و الله و علیه و اجمعین وارد شده است و یک مسئله و ی فقهی هم در آن نیست و توسط بزرگان و علما برای شیعیان بیان می‌شود مطالب زائدی نیست.

ضرورت شکرگزاری و تشکر از حق و تعالی

حق و تعالی مولی و الموالی جل و شأنه که منعم علی و الاطلاق است با این و همه از نعمت و ها که به ما عطا کرده، نیازی به تشکر ما ندارد، اما اگر ما بخواهیم بنده و ی با ادبی باشیم، باید تشکر کنیم. هرچند که تشکر کردن هم بدون عنایت و لطف او ممکن نیست. حق و تعالی پس از بیدار شدن از خواب تشکر زبانی بر زبان جاری می‌کند، و به دستم توفیق می‌دهد، که مهر را بردارم، و سه مرتبه شکر شکر شکر بگویم. انسان باید با بصیرت خود الطاف حق و تعالی را ببیند. اگر در یکی از مجالس معنوی و الهی شرکت کرد، به محض ورود از این که زنده مانده و به آن مجلس رسیده، از حق و تعالی تشکر کند. زیرا ممکن بود در همان زمان در مجلس دیگری حضور داشت که از یاد خدای متعال غفلت پیدا می‌کرد.

شاید انسان عادت کرده و باشد و در مجالسی حضور پیدا کند و شکر هم نکند. اگر جایی رفتیم که مثبت است، و معتقدیم که خدای متعال و ی او حضرت بقیة و الله ارواحاله و الفدا راضی است، آیا نباید شکر الهی را به جا آوریم؟ اگر شکر لله بگویم، خدای متعال توفیق ما را بیش و تر می‌کند. توجه داشته باشیم که اگر حرکتی از ما صادر شد که مثبت و مورد رضای حق و تعالی بود، از او تشکر کنیم. بسیاری از انسان و ها تمام عمر خود را به غفلت می‌گذرانند.

یک نکته که از این آیه و ی شریفه برداشت می‌شود این است که بدانیم نادانی ما قبل از هدایت و راه و نمایی، برای ما چندان گران تمام نمی‌شود. اما انحراف بعد از هدایت چنین نیست. اگر بعد از هدایت اول که ایمان است، خدای متعال بنده را از هدایت دوم برخوردار کرد و لوازم ایمان هم در عمل از او صادر شد، یعنی به مقتضیات ایمان خود عمل کرد، شایسته است که شکر اضافی به جا آورد.

یکی از اموری که غفلت را از بین می‌برد شکر نعمت و های حق و تعالی است. انسان تصمیم بگیرد برای هر موردی که تشخیص داد نعمت الهی است در دل خود یا آهسته با زبان خود شکر کند. تصادف در دستگاه خدای متعال وجود ندارد. گاهی از اوقات انسان به یک نکته و ی علمی منتقل می‌شود که انتظار آن را نداشته است. این فهمیدن، عنایت حق و تعالی به قلب ما است و نیاز به شکر دارد. این آگاهی و ها نعمت است، و شکر نعمت عقلاً لازم است، و اگر شکر نکنیم و با غفلت کفران نعمت کنیم، و نعمت و های حق و تعالی را در موارد غفلت از ذکر و یاد او مصرف کنیم، خدای متعال آن و ها را از انسان می‌گیرد. آنگاه مصداق همین آیه کریمه می‌شود و از سوی حق و تعالی مورد غضب قرار می‌گیرد و عذاب عظیم برای او وجود دارد.

هماهنگی کامل عملکرد انبیاء و اولیاء سلام و الله و علیه با رضای حق و تعالی

عملکرد انبیاء و اولیاء سلام و الله و علیه و اجمعین ناشی از جوشش احساسات و برخورد فراتر از عقل با بعضی از موضوعات نبود. چنین تصویری در مورد آن بزرگواران دلیل بر بی و ایمانی و بی و معرفتی ما نسبت به ایشان است. هر چه آن بزرگان از جان، از فرزندان و از راحتی خود مصرف کرده‌اند، همه به و جا بوده است.

فداکاری صدیقه و کبری سلام و الله علیها برای حجت زمان خود ناشی از عاطفه و ی خیلی شدید نبود. هر نفسی که ایشان می‌کشید و هر قدمی که برمی‌داشت با یقین به این بود که این نفس و این قدم

مورد رضای خدای متعال است. به حسب ظاهر در خانه و ای آن بزرگوار چهار کودک حضور داشتند. آن بزرگواران از اولیای خدا بودند و آن مادر بزرگوار هم کلاس درس برگزار می کرد که در راه خدا چه باید کرد. اگر گفته شود که شما می توانید هم در دنیا بهترین لذت های مادی را داشته باشید و هم در قیامت همنشین حضرت سلمان سلام و الله و علیه بشوید، یا دین نداشته و عمدتاً دروغ گفته و اند، یا خواسته و اند ما را فریب دهند. دنیا برای آخرت خلق شده است. لذا برای آخرت خلق شده است. قوای جسمانی برای آخرت خلق شده است. نباید انسان از چارچوب دین خارج شود، غفلت انسان را هلاک می کند، و ذکر و یاد حق تعالی انسان را به درجات بسیار عالی می رساند.

یکی از شاگردان صدیقه و ی کبری سلام و الله و علیها دختر بزرگوار ایشان حضرت زینب سلام و الله و علیها بود. ایشان تمام آن درس ها، یعنی تمام سرمایه و خدادادی را صرف طلب رضای حق و تعالی کرد و در سفر برادر بزرگوارش به عراق و کربلا بیش تر یاد گرفت. تمام فرمایشات نقل شده از ابی و عبدالله صلوات و الله و علیه در آن سفر طولانی یک دانشگاه در درجه و ی اول برای افراد خاندان خود و سپس برای اصحاب بود. در بین بانوان اول کسی که تالی و تلو معصوم صلوات و الله و علیهم بود حضرت زینب سلام و الله و علیها بود که همه مطالب را فراگرفت و در شب عاشورا کم و بودهایی هم که امکان داشت که از برادر نشنیده و حضرت نفرموده باشد، تکمیل کرد. در این خانواده کودک سه ساله و چهار ساله از یک انسان بیست و پنج ساله بیش تر و بهتر می و فهمد و بهتر اجرا می کند. آن خانم بزرگوار در کوفه بهتر از صدها رسانه تبلیغ کرد و صدای گریه و ناله از همه و ی اهل کوفه بلند شد.